**نکاتی درباره سند 2030**

13960302

## مقدمه

«دستور کار 2030 برای توسعه پایدار[[1]](#footnote-1)» موسوم به «سند 2030[[2]](#footnote-2)»، برنامه‌ای 15 ساله‌ برای توسعه پایدار کشورهای جهان (به‌ویژه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه) است که حوزه‌های متنوع اجتماعی و اقتصادی (از جمله آموزش و پرورش، سلامت، زنان و خانواده، محیط زیست، کشاورزی و آب، انرژی) را در بر می‌گیرد. این سند توسط سازمان ملل متحد برای افق 2030 میلادی تهیه شده و به تصویب رسیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز آن را با برخی از حق تحفظ‌ها پذیرفته است.

بر اساس تصریح مقدمه سند 2030 و اشارات مکرر آن، اعلامیه حقوق بشر و همچنین اعلامیه حق توسعه به‌عنوان اسناد پشتیبان آن در نظر گرفته شده است و این سند در عین پایبندی به سایر اسناد بین‌المللی[[3]](#footnote-3)، با آن‌ها پیوند دارد. ضمن اینکه تأکید شده است که اجرای آن در چارچوب تعهدات و حقوق کشورها در ارتباط با حقوق بین‌الملل است[[4]](#footnote-4).

سند 2030 علاوه بر اصول و ارزش‌های حاکم، 17 هدف اصلی و 169 هدف فرعی و همچنین راهبردهایی ذیل اهداف اصلی را در هر یک از حوزه‌های فوق‌الذکر در بر می‌گیرد. اهداف مذکور بر اساس مسائل شناسایی شده از وضعیت کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه و همچنین ادامه اهداف تحقق نیافته سند توسعه هزاره (2000-2015) تعیین شده است.

در این سند همچنین سازوکار و روش‌های اجرا، حمایت مالی و فناورانه‌ي و همچنین بازبینی و پیگیری در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی پیش‌بینی و ارائه شده است. طراحی شاخص‌های جهانی از یک سو و شاخص‌های ملی و منطقه‌ای از سوی دیگر ابزار پیگیری تحقق اهداف یاد شده خواهد بود[[5]](#footnote-5). یکی از نکات مهم و مورد تأکید سند 2030، در هم‌تنیدگی برنامه‌ها و اهداف حوزه‌های مختلف برای دستیابی به توسعه پایدار است که این امر در تحلیل سند مذکور باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

این سند شش جنبه، یعنی «کرامت انسانی، مردم، کره زمین، سعادت، برابری و مشارکت» را مورد تأکید قرار می‌دهد که می‌توان آن‌ها را ارزش‌های محوری این سند دانست. بر همین اساس، این ارزش‌ها در حوزه‌های مختلف موضوعی و در اهداف منعکس شده‌اند. البته به دلیل اجمال، تعریف روشنی از این ارزش‌ها و سایر مفاهیم کلیدی مطرح در این سند ارائه نشده است.

## نقدهای کلان به سند 2030

سند 2030 با رویکردهای مختلفی قابل تحلیل است، از جمله: نقد از منظر حکمرانی، حقوقی، تخصصی، مفهومی و همچنین نقد اجرا[[6]](#footnote-6). در ادامه از منظرهای فوق سند مذکور مورد بررسی قرار گرفته است:

1ـ در سند 2030، کشورها به دو دسته کلی «توسعه یافته» و «توسعه نیافته» تقسیم شده‌اند که این دوگانه، حاکی از موضع بالا به پایینی مندرج در مفاد سند است. علاوه بر این، طرح این تقسیم‌بندی مستلزم پذیرش تعریفی از مفهوم «توسعه» است که لزوماً با مفهوم و جهت‌گیری‌های مدنظر جمهوری اسلامی ایران ناظر به «پیشرفت بر اساس الگوی اسلامی ـ ایرانی» همخوانی و همسویی ندارد. ابهام و تفسیرپذیری مفاهیم و ارزش‌های اساسی سند 2030 (همچون توسعه، کرامت، برابری، رفاه و صلح) از جمله مواردی است که همسویی مذکور را به چالش می‌کشاند.

علاوه بر این در الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی، بایدارزش‌های اسلامی به‌ویژه «عدالت و معنویت» محور برنامه‌ریزی‌ها قرار بگیرد، در حالی که سند 2030 توجهی چندانی به این ارزش‌ها نداشته است[[7]](#footnote-7). از آنجا که در پس‌زمینه‌ي هر سند، نظام ارزشی خاصی وجود دارد، برخورد سطحی و مسامحه‌آمیز با سند 2030 و تکیه بر اشتراک لفظی کلیدواژه‌های آن فارغ از نظام فکری پشتیبان مربوطه بسیار خطرناک است.

2ـ از منظر حکمرانی و با توجه به سازوکارهای نهادهای بین‌المللی و همچنین برخی شواهد درون‌متنی سند 2030، چنین به نظر می‌رسد که اهداف مندرج در این سند در نهایت به نفع نظام سلطه خواهد بود. سازوکارهای پیش‌بینی شده در این سند نیز به نحوی است که کشورها به سمت تحقق اهداف مذکور با چارچوب‌گذاری صورت گرفته توسط نهادهای بین‌المللی و کشورهای پشتیبان آن سوق داده می‌شوند.

«ایجاد چارچوب‌های حقوقی و سیاست‌گذاری برای پیگیری اهداف». «الزام یونسکو در تدوین سازوکار مناسبی برای همکاری و هماهنگی جهانی برای سند 2030»، «لزوم بازبینی فعالیت‌های ذینفعان در حوزه آموزش متناسب با اسناد بین‌المللی»، «نظارت بر تدوین برنامه‌های ملی اقدام برای سند 2030» و «تعیین یونسکو به‌عنوان متولی ایجاد بانک اطلاعاتی و گردآوری داده‌های مربوطه» از جمله این سازوکارهای مذکور هستند که در سند 2030 به آن‌ها اشاره شده است.

علاوه بر این یونسکو با «طراحی شاخص‌های پیگیری اجرای اهداف (شاخص‌های جهانی)» و «پایش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف (شاخص‌ها)[[8]](#footnote-8)» با رتبه‌بندی کشورها و اعلان آن به‌صورت نرم آن‌ها را به سمت ارتقای جایگاه خود در میزان دستیابی به اهداف یاد شده هدایت می‌کند. علاوه بر این حمایت‌های مالی و اولویت‌بندی تخصیص منابع نیز به نحوی برنامه‌ریزی شده است که اهداف مدنظر یونسکو در کشورهای مربوطه پیگیری شود.

به نظر می‌رسد در چنین روندی، حق تحفظ موردنظر کشورها چندان موضوعیتی نمی‌یابد و به‌طور غیررسمی نادیده گرفته خواهد شد؛ زیرا شاخص‌های ارزیابی و حمایت‌ها متناسب با اهداف و شاخص‌های جهانی است.

3ـ مواجهه با سند 2030، علاوه بر «جزءنگری» نیازمند «کل‌نگری» است تا بتوان نظام فکری پشتیبان و اهداف ناپیدای آن را کشف و فهم نمود. این مسئله از آن رو اهمیت می‌يابد که مکرراً در این سند به درهم تنیدگی و به هم پیوستگی اهداف آن با هم و همچنین مفاد آن با دیگر اسناد بین‌المللی اشاره شده است.

با غفلت از این امر و اکتفا به مواجهه جزءنگرانه، چه بسا برخی از اهداف و توصیه‌های صورت گرفته در این سند را بتوان بی‌طرفانه یا حتی هماهنگ با نظام ارزشی و اسناد کلان مصوب بومی یافت، اما در نظر گرفتن اهداف به‌صورت کلان و در ارتباط با هم می‌تواند جوانب ناپیدا و ابعاد اصلی آن را روشن کند. به‌عنوان مثال، در بندهای مربوط به بخش آموزش، به مواردی همچون «گسترش آموزش پیش از دبستان، آموزش رایگان و دسترسی آموزشی» اشاره شده که به ظاهر با مفاد اسناد بومی کشور از جمله سند تحول اشتراک دارند. اما نکته این است که این مفاد را باید در ارتباط با جهت‌گیری‌ها تعیین شده در این بندها و سایر بندهای این سند نگریست تا معنا و جهت‌گیری دقیقشان را نشان دهند. در سند تحول بنیادین جهت‌گیری این راهکارها به سوی «حیات طیبه» است و در سند 2030، به شهروند جهانی و دستیابی به رفاه اشاره شده است. بر این اساس برخورد با این سند و اسناد مشابه باید محتاطانه و با حداقل خوش‌بینی باشد.

4ـ بر اساس اعلام مسئولین امر و صورت‌جلسات یونسکو مربوطه[[9]](#footnote-9)، ایران بنا به عرف معاهدات چندجانبه برای برخی از مفاد سند 2030 و سند آموزش 2030 درخواست حق تحفظ نموده است. در جلسات بررسی سند مذکور نیز ایران برای واژه‌های «the family، other status، other groups، sexual and reproductive health and rights» حق تحفظ خود را اعلام نموده است. البته برخی از کشورها جهان ناظر به برخی واژه‌های دیگر همچون «early marriage»‌ و «gender» نیز درخواست حق تحفظ داشته‌اند که گویا ایران در این باره ملاحظه‌ای نداشته است.

بنا به پیوست متن سخنرانی وزیر آموزش و پرورش ایران، وی نیز در مواردی که با «مقررات ملی، باورهای مذهبی و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران» تعارض داشته یا تفسیرپذیر باشد، حق تحفظ جمهوری اسلامی ایران را اعلام نموده است.

شایان ذکر اینکه در مفاد سند 2030 و سند آموزش 2030 به نحوی به رعایت اقتضائات بومی اشاره شده است: «این دستورکار، توسط همۀ کشورها پذیرفته شده است و با توجه به واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و سطوح مختلف توسعۀ ملّی و با احترام به اولویت‌ها و مقررات ملّی، به همۀ کشورها مربوط می‌شود» (ماده 5 دستورکار 2030)؛ اما آنچنان که از مفاد این تبصره و موارد مشابه آن در متن سند مذکور بر می‌آيد، این تبصره عمدتاً ناظر به اقتضائات اجرایی در کشور مربوطه است تا لحاظ ارزش‌ها و باورهای فرهنگی. ضمن اینکه طراحی «شاخص‌های جهانی» و نظارت بر اجرای اهداف بر اساس آن (ماده 75 دستورکار 2030) بدون اشاره به نحوه اعمال حق تحفظ کشورها در موارد مربوطه است و این امر نیز شائبه ارزیابی کشورها بدون توجه لازم به ملاحظات مربوطه را تقویت می‌نماید.

5ـ مواجهه دوگانه مسئولین ارشد دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال اسناد بین‌المللی (از جمله سند 2030 و اسناد زیرمجموعه آن) و اسناد بومی ذیل سند چشم‌انداز نیز چالش دیگری است که پیشرو قرار دارد. در حالی که بسیاری از اسناد راهبردی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور، سند مهندسی فرهنگی کشور و سند راهبردی کشور در امور نخبگان) به دلیل بی‌توجهی و عدم اهتمام مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی نشده‌اند، هیئت دولت برای «اجرا و تحقق کامل اهداف سند 2030[[10]](#footnote-10)» با عزم جدی تمام دستگاه‌ها را بسیج می‌نماید. قابل تأمل اینکه در ظرف 2 ماه از ابلاغ مصوبه هیئت دولت[[11]](#footnote-11)، برنامه اقدام ملی سند آموزش 2030 تدوین و رونمایی می‌گردد، در حالی که با گذشت قریب به 6 سال از تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هنوز مقدمات اجرای آن فراهم نشده و برخی از زیرنظام‌های آن نیز هنوز تدوین و تصویب نشده است! قابل تأمل اینکه وزیر محترم آموزش و پرورش در برنامه تقدیمی خود به مجلس برای کسب رأی اعتماد، پیگیری اجرای سند آموزش 2030 را مورد تأکید قرار داده بود.

بر اساس شواهد مذکور، این شائبه به وجود آمده است که اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دیگر اسناد بومی در سایه پیگیری سند 2030 و اسناد زیرمجموعه‌ی آن به حاشیه رانده و چه بسا کنار گذاشته شود.

## معرفی و نقد بخش آموزش سند 2030 (هدف 4)

آموزش یکی از حوزه‌های موضوعی است که سند 2030 در توسعه پایدار به آن توجه جدی داشته است و آن را اساس توسعه پایدار معرفی کرده است. عمده مباحث این حوزه ذیل هدف چهارم با عنوان «تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های آموزش مادام‌العمر برای همه» و اهداف فرعی و راهبردهای ذیل آن آمده است.

برای تحقق این هدف و اهداف فرعی و راهبردهای ذیل آن سندی با عنوان «سند آموزش 2030 (بیانیه اینچئون و چارچوب عمل)» تدوین و تصویب شده است[[12]](#footnote-12). این سند خود را نقشه‌ی راه نهادهای متولی انواع آموزش (پایه، متوسطه، عالی، بهداشت و فنی و حرفه‌ای) در همه کشورها معرفی می‌کند که به دلیل تأکید بر «یادگیری مادام‌العمر»، عملاً تمام آموزش‌های رسمی و غیررسمی هر کشور را شامل می‌شود. شایان ذکر اینکه کشورهای عضو، موظف شده‌اند که برای تحقق اهداف مربوطه و مفاد ذیل آن، برنامه اقدام ملی خود را تدوین نمایند.

علاوه بر نکات کلی مطرح درباره سند 2030 که درباره سند آموزش 2030 نیز صدق می‌کند، به‌طور خاص نکاتی درباره این سند قابل اشاره است:

1ـ با توجه به گستره تعریف شده در سند آموزش 2030 که همه‌ی آموزش‌های رسمی و غیررسمی کشور در مقاطع و سنین مختلف (از پیش از دبستان تا بعد از آموزش عالی) را شامل می‌شود، محوریت یافتن این سند در بازه 15 ساله آینده، به معنای کنار گذاشتن یا تضعیف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سایر اسناد بومی حوزه آموزش و فرهنگ است. مواجهه دوگانه مسئولین امر با این اسناد می‌تواند به‌عنوان مؤید این ادعا تلقی شود.

2ـ به‌طور کلی برخی از واژگان سند آموزش 2030 تفسیرپذیر و دارای ابهام هستند و نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن‌ها گذشت. مفاهیمی همچون «برابری جنسیتی[[13]](#footnote-13)، فراگیری[[14]](#footnote-14) و برابری[[15]](#footnote-15)، خشونت، دموکراسی، مشارکت مدنی، حقوق بشر، یادگیری جنسیت‌محوری و آموزش‌های جامع جنسی» از این جمله‌اند. این در حالی است که در توصیه‌های صورت گرفته در این سند، به‌وفور در سیاست‌های ساماندهی برنامه درسی و محتوای برنامه درسی دانش‌آموزان و تربیت معلم و همچنین سیاست‌های پذیرش دانشجو بر رعایت این مفاهیم مبهم به‌عنوان اصول قطعی تأکید شده است.

نکته قابل تأمل اینکه حساسیت برخی از این مفاهیم تا بدانجاست که برخی از نهادها همچون «دیده‌بان بین‌المللی خانواده[[16]](#footnote-16)» در گزارش تحلیلی خود با عنوان «تحلیل دستور کار 2030 برای توسعه پایدار: تهدیدی برای زندگی، خانواده و کودکان[[17]](#footnote-17)» نسبت به آن‌ها هشدار داده است. از جمله در این گزارش اشاره شده است که مفهوم «فراگیری[[18]](#footnote-18)» بیش از 40 بار در سند 2030 آمده است که چهار مورد آن در اهداف اصلی است. این گزارش توضیح می‌دهد که بنا به ادبیات حقوقی رایج، پذیرفتن این مفهوم می‌تواند به معنای به رسمیت شناختن اقلیت‌های جنسی و جنسیتی (LGBT) باشد و خود نسبت به این امر به‌عنوان تهدیدی برای بنیان خانواده اعتراض می‌نماید.

3ـ در سند آموزش 2030 به مقولاتی همچون افزایش کیفیت دوره ابتدایی و متوسطه و رایگان بودن آن اشاره شده است که در نگاه نخست حساسیت‌زا به نظر نمی‌رسد، هر چند جهت‌گیری تعیین شده و برخی از شروط همچون «برابری جنسیتی» نیازمند تأمل است.

در همین حال در بند سوم ذیل هدف چهارم، بحث تضمین دسترسی برابر زنان و مردان به آموزش عالی و فنی و حرفه‌ای تا سال 2030 مورد تأکید قرار گرفته است که این سیاست ذیل ارزش «برابری جنسیتی» جای می‌گیرد. این در حالی است که در سیاست‌گذاری‌های کشور، «عدالت جنسیتی» مورد تأکید قرار دارد که بر اساس آن زن و مرد بنا به اقتضائات خاص جنسیتی در ابعاد مربوطه، باید متمایز شوند و البته در وجوهی که ارتباطی با جنسیت ندارد، با فرض یکسان بودن سایر مؤلفه‌ها، احتمالاً برابری جنسیتی ملاک خواهد بود.

4ـ در بند 4- 7 تأکید شده است که همه فراگیران دانش و مهارت مربوط به «شیوه‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، فرهنگ صلح و شهروند جهانی» را فرا بگیرند. این واژه‌ها سبک زندگی و انسان خاصی را توصیف می‌کند که این مباحث باید در او نهادینه شود که به نظر می‌رسد منظور تدوین کننده سند 2030، با چارچوب اسناد کلان ایران ناظر به «حیات طیبه» منافات دارد.

5ـ در ذیل راهبردهای سند آموزش 2030 (بند 4-c) به موضوع تربیت معلمان از طریق همکاری‌های بین‌المللی اشاره شده است. «معلم» هسته اصلی نظام تعلیم و تربیت است و در نظام جمهوری اسلامی ایران باید متناسب با چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی تربیت گردد. بر این اساس، تربیت معلم کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در فضای بین‌المللی و به‌صورت یک‌سویه توسط کشورهای توسعه یافته که چارچوب ارزشی متفاوتی دارند، چالش برانگیز است. لذا این پرسش قابل طرح است: معلمی که توسط نهادهای بین‌المللی تربیت شود، می‌تواند سند تحول بنیادین را اجرا کند؟!

6ـ علاوه بر این برخی از مواد سند آموزش 2030 با اسناد و مقررات ملی ایران ناهمخوانی دارد، از جمله:

* در ماده 6، «تأمین حداقل یک سال آموزش باکیفیتِ مجانی و اجباری برای مقطع پیش دبستان» مورد تأکید قرار گرفته است. این در حالی است که بنا به اسناد و مقررات کنونی کشور (از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی) آموزش پیش‌دبستانی دوره‌ای دو ساله و رسمی و «غیراجباری» است.
* در ماده 8، «برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای یادگیری جنسیت محور» و «اتخاذ رویکردی واحد در حوزۀ مسائل جنسیتی در متون درسی و در آموزش معلمان و در ریشه‌کنی خشونت و تبعیض جنسیت‌محور در مدارس» مورد تأکید قرار دارد. با توجه به ملاک بودن مفهوم «عدالت جنسیتی» و «هویت جنسی/جنسیتی» در اسناد بومی از یک سو و ابهام مفاهیم مورد اشاره سند آموزش 2030، نمی‌توان به راحتی در این باره قضاوت و عمل کرد.
* بنا به ماده 32، «در فضاهای چندزبانه، هر جا که امکان آن فراهم باشد و اولویت‌های ملّی و محلی، ظرفیت‌ها و سیاست‌ها اجازه دهند، آموزش و یادگیری به زبان اول، یا زبانی که کودک در خانه صحبت می‌کند باید در اولویت قرار گیرد». این در حالی است که بنا به اصل قانون اساسی، زبان آموزش در مدارس باید فارسی باشد و البته زبان مادری نیز در کنار آن به رسمیت شناخته شده است[[19]](#footnote-19).
* در ماده 63، به «اصلاح نظام آموزشی، آموزش معلمان، اصلاح مواد درسی و حمایت‌های آموزشی» و «اجرای برنامۀ اقدام جهانی آموزش برای توسعۀ پایدار و موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، تساوی جنسیتی، بهداشت، آموزش‌های جامع جنسی، تغییر اقلیم، معیشت‌های پایدار و شهروندی مسئولانه و پویا» اشاره شده است. در این میان «آموزش‌های جامع جنسی» به دلیل ابهام حساسیت بیشتری دارد.
1. . The 2030 Agenda for Sustainable Development [↑](#footnote-ref-1)
2. . زین پس برای رعایت اختصار، به‌جای «دستورکار 2030 برای توسعه پایدار» از عبارت «سند 2030» استفاده خواهد شد. [↑](#footnote-ref-2)
3. . اسنادی که در بخش «اصول و تعهدات مشترک ما» در سند 2030 به آن اشاره شده است، عبارت‌اند از: بیانیۀ ریو پیرامون محیط زیست و توسعه، اجلاس جهانی سران در مورد توسعۀ پایدار، اجلاس جهانی سران در خصوص توسعۀ اجتماعی، برنامۀ عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، برنامۀ عمل پکن و کنفرانس توسعۀ پایدار سازمان ملل متحد (ماده 11 سند 2030). [↑](#footnote-ref-3)
4. . ماده 18 سند 2030 [↑](#footnote-ref-4)
5. . ماده 75 سند 2030 [↑](#footnote-ref-5)
6. . علاوه بر این می‌توان به رویکرد درون‌متنی و برون‌متنی (رجوع به سایر اسناد مرتبط، شواهد و قرائن، تجربه سایر اسناد مشابه و ...) و همچنین رویکرد خوش‌بینانه و محتاطانه در مواجهه با این سند اشاره نمود. [↑](#footnote-ref-6)
7. . در سند 2030 به‌جای مفهوم «عدالت»، مفهوم «برابری (equality)» مورد تأکید قرار گرفته است. [↑](#footnote-ref-7)
8. . در این راستا می‌توان به طراحی و راه‌اندازی سامانه‌ای به آدرس «www.tellmaps.com» اشاره نمود. [↑](#footnote-ref-8)
9. . گزارش جلسه مذکور (مورخه 1 سمپتامبر 2015) از این آدرس قابل دریافت است: https://www.un.org/press/en/2015/ga11670.doc.htm [↑](#footnote-ref-9)
10. . بر اساس مصوبه هیئت دولت در مورخه 3 مهر 1395، «كارگروه ملي آموزش ۲۰۳۰ موظف است برنامه اجرايي و نظارتي تحقق كامل آموزش ۲۰۳۰ را در سطوح ملي و استاني با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی مرتبط و همسو با اهداف برنامه‌های توسعه كشور، اسناد راهبري توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنيادين آموزش و پرورش و برنامه اهداف توسعه پايدار تهيه کند». [↑](#footnote-ref-10)
11. . مصوبه هیئت دولت درباره تهیه برنامه ملی اجرای سند آموزش 2030 مربوط به تاریخ 3 مهر 1395 است و این برنامه در مورخه 3 آذر 1395 رونمایی گردید. [↑](#footnote-ref-11)
12. شایان ذکر اینکه سابقه اسناد بین‌المللی آموزش به سال 1990 بر می‌گردد. سند 1990-2000 (جامتین تایلند) و سند 2000-2015 (داکار) از آن جمله‌اند. [↑](#footnote-ref-12)
13. . gender equality [↑](#footnote-ref-13)
14. . inclusion [↑](#footnote-ref-14)
15. . equality [↑](#footnote-ref-15)
16. . Family Watch International [↑](#footnote-ref-16)
17. . An analysis of the un 2030 sustainable development agenda: The Hidden Threats to Life, Family, and Children [↑](#footnote-ref-17)
18. . inclusion [↑](#footnote-ref-18)
19. . اصل 15 قانون اساسی: زبان‏ و خط رسمی‏ و مشترک‏ مردم‏ ایران‏ فارسی‏ است‏. اسناد و مکاتبات‏ و متون‏ رسمی‏ و کتب‏ درسی‏ باید با این‏ زبان‏ و خط باشد ولی‏ استفاده‏ از زبان‌های‏ محلی‏ و قومی‏ در مطبوعات‏ و رسانه‌های‏ گروهی‏ و تدریس‏ ادبیات‏ آن‌ها در مدارس‏، در کنار زبان‏ فارسی‏ آزاد است‏. [↑](#footnote-ref-19)